



می تواند در حد یک مبلغ در کنار دیگر تبلیغات فیلم موثر باشد. ۱۰ برابر همین افرادی که در حال حاضر سوپرستارهای سینمای ایران هستند، افراد مستعد و توانمندی را در حوزه بازیگری وجود دارند که به کار گرفته نمی شوند و این اتفاق به دلیل آن است که سیستم سینمای ایران سنتی و بسته است. سیستم بسته ای که خود را به چند نفر خاص محدود کرده و به همین خاطر است که سرمایه گذار ملاک فروش خود را بر حضور این چهره ها گذاشته و عمدتاً زمین خورده است. در حال حاضر در ایران، در میان حجم انبوهی از تولیدات فیلمی تنها ۵ الی ۶ اثر هستند که موفق می شوند.

حجت الله سیفی:

متاسفانه فیلم های ما مبلغ سوپرستارهای ما شده اند

در هر حوزه فرهنگی و هنری اشخاص فرهیخته ای هستند که بواسطه هنرشان برای مردم شناخته شده و محبوب می شوند مثلاً سهراب سپهری در شعر و جلال آل احمد در ادبیات، به همین خاطر وقتی چهره ای برای مردم محبوب می شود، لازم است در تعاملات خود با جامعه و مردم به صورت سنجیده تر عمل کند. بنابراین در همان ابتدا از استارهای سینمایی به واسطه شهرت شان انتظار می رود که مانند دیگر چهرهای شاخص فرهنگی و هنری ارزشمندی کار خود را حفظ کنند. به طور کلی از همان ابتدا تهیه کنندگان و کارگردانان هستند که این ارزشمندی را به بازیگران می دهند، و آن ها را بولد می کنند. اعطای نقش اول به یک بازیگر مانند شعار نویسی بر روی دیوار است و هر قدر این شعار با خط درشت تری نوشته شده باشد بیشتر دیده می شود. در حالی که در این شعار معنایی و مضمون است که مهم تر از همه چیز است. اصل سینما بر پایه ادبیات، قصه و حکایت است بازیگر مانند یک خط بخشی از فیلم است نه همه آن! اما متاسفانه در سینما این کج انگاری باعث شده است که بازیگران، تهیه کنندگان و کارگردانان از چهره های محبوب سو استفاده کنند و یک فیلم خوب را که حاصل یک سناریو خوب و عوامل دیگر است را به نام خود بزنند و در ادامه راه می بینیم که اجازه کار کردن و ورود بقیه را به سینما نمی دهند و با دستمزدهای نجومی و ... سینما و فرهنگ را رو به اضمحلال کشیده اند. رسانه ها در این بت سازی بی تقصیر نیستند چرا که با دعوت از این چهره ها در برنامه ها و ... آن ها را به عنوان مرجع فیلم و .. به مردم معرفی می کنند. مردم باید فیلم را به مثابه فیلم ببینند نه باز یگر! متاسفانه فیلم های ما مبلغ سوپرستارهای ما شده اند! و این اتفاق در تکرار است که رخ می دهد شما تصور کنید تبلیغات یک سس مایونز را که هر شب از شبکه پخش می شود طبیعتاً پس از مدتی این سس مایونز ملکه ذهن مخاطب می شود و بعد که بازیگر ملکه ذهن مخاطب شد، حالا خود تهیه کنندگان و کارگردانان هم از او سو استفاده می کنند و به جای ساخت یک اثر خوب به دنبال بازیگر چهره می روند. در حالی که به طور کلی نفس حیات سینما به بازیگر چهره بستگی ندارد. همان طور که پس از انقلاب وقتی اغلب سوپرستارها از سینمای ایران رفتند اما سینما حتی بهتر از قبل به حیات خود ادامه داد. به همین سبب ما باید سینما را با فیلم ببینیم نه با بازیگر فیلم. یک فیلم یعنی ادبیات خوب، تار و پود مستحکم، نقش آفرینی خوب و تاثیر گذاری بر تماشاگر.

مریم بحر العلومی:

همه این ماجراها ما را به یک آدرس می برد...

حضور بازیگر حرفه های و شناخته شده برای کارگردان نعمت بزرگی است اما ملاک و معیار اثر خوب نیست و عوامل بسیار مهم تر و وسیع تری در فیلم خوب تاثیر دارند. من احساس می کنم، ریشه کل این ماجراها ما را به یک آدرس می برد. اینکه نظام سرمایه داری سایه اش را بر همه چیز انداخته است. وقتی کلاسم ده بازیگر روی میز تمام کارگردان ها قرار دارد دیگر حتی نمی شود از واژه مافیا استفاده کرد چرا که دیگر این روش های متداول تبدیل به روالی همه گیر شده است و متاسفانه در حال حاضر همه به همین شکل کار می کنند. در این شرایط اگر من به عنوان یک کارگردان ریسک کنم و انتخاب های متنوع تری را در انتخاب بازیگر برای بستن کست خود لحاظ کنم، نه تنها هیچ کس مرا حمایت نمی کند بلکه ممکن است بابت این انتخاب ها فارغ از نتیجه گیری آن سرزنش شوم. با این حساب اگر فیلمساز ریسک کند و بدون توجه به آن لیست بخصوص، به بازیگران توانمند دیگر فرصت حضور در فیلم را بدهد و باعث درخشش او شوند قطعاً باعث خواهند شد که آن لیست محدود، وسیع تر شود و دست کارگردانان دیگر و همچنین مخاطب برای انتخاب متعددتر و متنوع تر شود. قطعاً مسیر پر چالش و پرریسکی برای کارگردان است که به سراغ بازیگران دیگر برود اما من از این مسیر خسته نمی شوم و از دادن نقش های تکراری به بازیگران چهره بیزارم.

هنرمندان دغدغه مند است و سنگ اندازها مهمان های گذران این مسیر هستند.

اصغر همت:

کاری به سینمای این مملکت ندارم

من اصلاً خودم را سینمایی نمی دانم و کاری به سینمای این مملکت ندارم و این سوال را از سینمای هایی بپرسید که صاحب آن شده اند.

نویدالدین دری:

در ایران سوپرستار نداریم

با توجه به اینکه بنده از دوران کودکی، نوجوانی و جوانی با دستیاری در کنار پدر مرحوم سیدضیاءالدین دری در کنار بازیگرانی قدیمی مانند محمدعلی فردین و ... حضور داشته ام، بر این باور هستم که در نگاه اول اینگونه به نظر می رسد که حضور بازیگر چهره می تواند چرخه مالی فیلم را هدایت کند و سرمایه گذار و دیگر عوامل را به سود دهی برساند. اما همه اینها بستگی به این دارد که اصلاً در سینمای چند ساله اخیر ایران ما سوپرستار داشته ایم یا خیر؟ و سوال بعدی اینکه اصلاً سیاست گذاران سینمایی حضور سوپرستار را در سینما لازم می دانند یا خیر؟ از نظر من به طور کلی ما با این بحران مواجه ایم که اصلاً همین چند نفری هم که وجود دارند سوپرستاری نیستند. تاریخ سینما از زمان فیلم عقاب ها تا کنون نشان داده که سوژه خوب باعث فروش فیلم شده است نه بازیگرانی که در آن نقش پردازی کرده اند. گاهی دیده شده است که حتی جمع فروش فیلم به دستمزد نجومی که به بازیگر فیلم اختصاص یافته است، نرسیده است. این بازیگران تنها به واسطه حواشی و پروپاگاندای خبری که برای آنها ایجاد شده است بازیگرانی بلیوردی هستند که به هیچ عنوان فروش فیلم را تضمین نمی کنند. فروش فیلم ها عموماً با دو واسطه سوژه خوب و تبلیغات و شرایط اکران تضمین می شود و در این میان رانت هایی که در اکران وجود دارد بی تاثیر نیست. متاسفانه پخش کننده با تخصیص سالن ها سلیقه خود را به مخاطب تحمیل کرده و انتخاب های او را محدود کرده است. قاطعانه می توانم بگویم ما در ایران سوپرستار نداریم. سوپرستاری که مانند تام کروز در صنعت سینمای هالیوود باعث شود ۱۰ روز مخاطب پشت درب های سالن های سینمایی صف ببندد! معتقدم در ایران به جای سوپرستار، بازیگران خوبی داریم که تضمین فروش فیلم نیستند. مثلاً امین حیایی بازیگر محبوبی است که ممکن است مخاطب به واسطه او به سالن سینمایی بیاید اما در ادامه سوژه فیلم است که مخاطب را در سالن نگه می دارد. تهیه کنندگان در تمام این ادوار به غلط فکر می کنند که حضور بازیگران تضمین فیلم است در حالی که بازیگر

می کنند، دغدغه ماندگاری سینما و آینده نگری آن را ندارند و بیشتر به دنبال این هستند که فعلاً کارشان با فلان سوپرستار راه می افتد در حالی سینما همواره باید برای نسل بعدی سوپرستارهای خود برنامه ریزی دقیق داشته باشد. در ایران تعداد زیادی آموزشگاه و موسسات بازیگری داریم اما خروجی آن کجای می رود؟ وقتی استاد می بیند تلاش او برای شاگرد پروری بی نتیجه است مسلماً بی انگیزه می شود و همین طور شاگرد! متاسفانه تعداد محدودی از این بچه ها جذب بازار هنری می شوند و بیشتر آنان در مناسبات اینچینی هرز می روند و همین می شود که استارهای بازیگری ایران محدود می شود به یک لیست ۱۰ نفره روی میز کارگردانان و تهیه کنندگان محدود می شوند و آن تعداد کم هم وقتی با پیشنهادهای متعدد از سوی کارگردانان مواجه می شوند قصه دستمزدهای میلیاردری شکل می گیرد! و در این میان عده ای دیگر از فقر و تنگدستی رو به مسافر کشی و ... می آورند و در فقر دچار بیماری می شوند. اعتراض اصلی من به همین استارهای بازیگری این است که چرا یک شاگرد خوب پرورش نداده اند؟ و چرا به طور کلی ما در عرصه دوبله، بازیگری و ... جایگزینی نداریم. گویا شاهد نسلی هستیم که مرده است و هیچ کس نتوانسته جای آن ها را بگیرد! من دائماً در کوچه و خیابان و کافه هستم و حرف مردم را می شنوم، مردم امروز ما دانشمند شده اند و بهتر از هر منتقد و تحلیل گری کار هنرمندان را رصد می کنند من از زبان راننده تاکسی و قصاب تحلیل های شنیده ایم که از زبان بچه های به اصطلاح با سواد سینمایی نمی شنوم، اما متاسفانه ما سازمانی نداریم که حرف مردم را لحاظ کنند مردم از اینکه یک بازیگر در نقشی مشابه در چندین فیلم و سریال همزمان بازی می کند رنج می برند. متاسفانه ما نمی خواهیم حرف مردم را بشنویم چون در خودخواهی و منفعت طلبی خود گرفتار هستیم، طوری در خودبینی غرق شده ایم که چشم خود را به روی وضاحت هم بسته ایم. حدود ۲۰ سال است که در معرفی بازیگر تازه نفس به سینما فعالیتی می کنم و در این راه آنقدر پافشاری کرده ام که روی مسئولین کم شده است و بالاخره پذیرفته اند که در سینما باید همواره استعداد یابی و معرفی چهره توانمند رخ دهد.

بارها خواشش کردم که در آمدی برای گذران زندگی برایم در نظر بگیرند و من برای پیدا کردن بازیگر خوب به تمام ایران سفر کنم، اما اتفاقی نیفتاده است. من مانند بقیه ای نیستم که از بازیگر برای معرفی پول می گیرند دغدغه این را دارم که سینما نسل جوان، میانسال و .. خود را حفظ کند. عمری است در این رشته بدون ادعا فعالیت کرده ام و ماحصل آن نه تنها تشکری نبوده که بارها هم تحقیر شده ام. اما قلباً از کار خود راضی هستم و خوشحالم که پیش خدا خود شرمنده نیستم. ما تا زنده هستیم کار خودمان را می کنیم، بقیه دوستان هم مهمان های هستند که می آیند و می روند و تاریخ نشان داده که آنچه که می ماند و سبب ماندگاری سینما شده همین تلاش های